

# لوح احمد (فارسی)

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



لوح احمد (فارسی) - حضرت بهاء الله - مجموعه الواح

مبارکه، چاپ مصر، صفحه ۳۱۵ - ۳۲۹

﴿ باسم ربنا العلیّ الأعلیٰ ﴾

اینست بدایع نصایح الهی که بلسان قدرت در مکن عظمت و مقعد قدس رفعت خود میفرماید \* پس بگوش جان بشنوید و خود را از اصغای نصایح محبوب محروم و ممنوع ننمائید \* ای مؤمن مهاجر عطش و ظماً غفلت را از سلسبیل قدس عنایت تسکین ده و شام تیره بعد را بصبح منیر قرب منور گردان بیت محبت باقی را بظلم شهوت فانی و خراب مکن و جمال غلام روحانی را بحجبات تیره نفسانی مپوش تقوای خالص پیشه کن و از ما سوی الله اندیشه منما \* و معین قلب منیر را بخاشاک حرص و هوی مسدود مکن \* و چشمه جاریه دل را از جریان باز مدار بحق متمسک شو و بجبل عنایت او متوسل باش \* چه که دون او احدی را از فقر بغنا نرساند و از ذلت نفس نجات نبخشد \* ای عباد اگر از بحور غنای مستوره احدیه مطلع شوید از کون و امکان هر دو غنی و بی نیاز گردید نار طلب در جان بر افروزید تا بمطلب رفیع منبع که مقام قرب و لقای جانان است فائز گردید \*

ای احمد از اجر متموجه ملتطمه مستوره خود را منع مکن \* و از صراط واضحه مستقیمه محروم مباش چشم را منیر کن \* و بنور لائح روشن نما تا بسینای مبارکه طیبه که محل ضیاء و استضای سنای الهیه است وارد شوی و بتجلیات انوار لا نهاییه منور گردی و ندای جانفزای انظر ترانی از مشرق بیان سبحانی من غیر تعطیل بشنوی \* جمال غیب در هیکل ظهور میفرماید ای احمد نفعه از عرف گلستان قدس



ORIGINAL



AUDIO

روحانیم بر عالم هستی وزیده و جمیع موجودات را بطراز قدس صمدانی مزین فرموده \* و رشی از طمطمایم عنایتیم بر عالمیان مبذول گشته و جمیع را سر مست از این باده قدس الست از عدم محض فانی بعرضه وجود باقی کشیده \* ای احمد دیده را پاک و مقدّس نما تا تجلیات آنوار لا نهیات از جمیع جهات ملاحظه نمائی و گوش را از آرایش تقلید منزّه کن تا نعمات عندلیب وحدت و توحید را از افنان باقی انسانی بشنوی \* ای احمد چشم ودیعه من است او را بغبار نفس و هوی تیره مکن \* و گوش مظهر جود من است او را باعراض مشتهیه نفسیه از اصغای کلمه جامعه باز مدار \* قلب خزینه من است لثالیء مکنونه آنرا بنفس سارقه و هوس خائن مسپار \* دست علامت عنایت من است آنرا از اخذ ألواح مستوره محفوظه محروم منما \* بگو ای عباد فیض رحمت بی منتهایم از سماء مکرمت بی ابتدایم چون غیث هاطل در نزول و جریان است با دیده مقدّس و گوش منزّه و استقامت تمام باین رحمت سبحانی و فیض رحمانی بشتابید \* بگو ای بنده گان من بتحدید نفس و تقلید هوا خود را مقید و مقلد مسازید \* چه که مثل تقلید مثل سراب بقیعه در وادی مهلکه است که لم یزل تشنگان را سیراب نموده و لا یزال سقایه نخواهد نمود \* از سراب فانی چشم بر داشته بزلال سلسال لا زوال بی مثالم در آئید \* لؤلؤ قدرت ربّانی را از لؤلؤ مصنوعی فرق دهید و تمیز گذارید چه که مصنوعی آن بملاقات آب فانی و معدوم شود و قدرتی آن بملاقات آب صافی و منیر گردد \* پس جهد بلیغ و سعی منیع نمائید تا لؤلؤ قدس صمدانیرا من دون اشاره بدست آرید و آن معرفت مظهر نفس من بوده و خواهد بود و لم یزل بآب عنایت من زنده و حی و باقی خواهد بود \* ای بنده گان من جمال قدم میفرماید که از ظلّ هوی و بعد و غفلت بظلّ بقا و قرب و رحمت بشتابید و چون ارض تسلیم شوید تا ریاحین معطره ملونه مقدّسه عرفانم از ارض وجود انبات نماید \* و چون نار مشتعل شوید تا حجات غلیظه را محترق نمائید و اجساد مبروده محبوبه را از حرارت حبّ الهی زنده و باقی دارید \* و چون هوی لطیف شوید تا در مکن قدس ولایتم درآئید \* ای بنده گان من از مدینه وهمیه ظنیه بقوه توکل بیرون آمده بمدینه محکمه مشیده یقین وارد شوید \* و در جمیع احوال از رحمت واسعه و عنایت محیطه مأیوس مباشید که همه هیاکل موجودات را محض جود و کرم از نیستی محض بملک هستی آوردم بی طلب عنایت فرمودم و بی سؤال اجابت فرمودم و بی استعداد منتهای فضل وجود را مبذول داشتم \* جمیع شما اشجار رضوان قدس منید که بدست مرحمت خود در ارض مبارکه غرس فرمودم و بنیسان رحمت بی زوال خود تربیت نمودم و از حوادث کونیه و خطرات ملکیه بملائکه حفظیه حفظ فرمودم حال از مغرّس و حافظ و مربّی خود غفلت نمائید و دون او را بر او مقدّم و مربّح مدارید که مبادا اریاح سمومیه عقیمیه بر شما مرور نماید و جمیع را از اوراق بدیعه و اثمار جنیه و افنان منیعه و اغصان لطیفه محروم نماید \* کلمات حکمت را از لسان ظهور قلم شنو \* که پسر مریم فرمودم که هر مالک بوستانی شجره یابسه را در بوستان باقی

نگذارد و البته او را قطع نموده بنار افکند چه که حطب یابس در خور و لایق نار است \* پس ای اشجار رضوان قدس عنایت من خود را از سموم انفس خبیثه و آریاح عقیمه که معاشرت بمشربین و غافلین است حفظ نمائید تا اشجار وجود از جود معبود از نفحات قدسیه و روحات انسیه محروم نگردد و لا زال در رضوان قدس احدیه جدید و خرم ماند \* ای بنده گان بنیان مصر ایقان حضرت سبحان را بنقر وهم و ظنون منهدم مکنید چه که ظن لم یزل مغنی نبوده و لا یزال نفسی را بصراط مستقیم هادی نگشته ای عباد ید قدرت مبسوطه ممدوده مرتفعه سلطنتم را مغلول فرض گرفته‌اید \* و رحمت منزله مسبوکه غیر مقطوعه‌ام را مقطوع داشته‌اید \* و سحاب مرتفعه متعالیه جود و کرم را ممنوع و غیر مهطول فرض نموده‌اید آیا بدایع قدرت سلطان احدیتم مفقود شده و یا نفوذ مشیت و احاطه اراده‌ام از عالمیان ممنوع گشته اگر نه چنین دانسته‌اید چرا جمال عزّ قدس احدیتم را از ظهور منع نموده‌اید و مظهر ذات عزّ ابها را از ظهور در سماء قدس ابقا ممنوع داشته‌اید \* اگر چشم انصاف بگشائید جمیع حقایق ممکاترا از این باده جدیده بدیعه سرمست بینید و جمیع ذرات اشیا را از اشراق انوارش مشرق و منور خواهید یافت \* فبئس ما اَنتم ظننتم و ساء ما اَنتم تظنون \* ای بنده گان بمبدأ خود رجوع نمائید و از غفلت نفس و هوی بر آمده قصد سینای روح در این طور مقدّس از ستر و ظهور نمائید \* کلمه مبارکه جامعه اولیه را تبدیل نمائید و از مقرّ عزّ تقدیس و قدس تجرید منحرف مدارید \* بگو ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضل بر تمام ذرات ممکات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم \* نصایح مشفقانه را بگوش مقدّس از کبر و هوی بشنوید و بچشم سرّ و سرّ در بدیع امرم ملاحظه نمائید \* از امواج بحر رحمت که جمیع ابحر لا نهاییه قطره ایست نزد او محروم شوید و از معین قدس عذب فرات سائغم خود را ممنوع مسازید \* قسم بذات غیبه که اگر اقل از ذره بشعور آئید بسینه بسینای روح بشتابید و بعین خود بمعین قدسیه منوره واضحه وارد گردید و نداء روح القدس را از سدره ناطقه در صدر منیر بشنوید و غفلت نمائید \* ای احمد از تقیید تقلید بروضه قدس تجرید و فردوس عزّ توحید بخرام \* بگو ای عباد باب رحمت را که بر وجه اهل آسمانها و زمین گشودم بدست ظلم و اعراض مبندید و سدره مرتفعه عنایت را بجور و اعتساف قطع نمائید \* براستی میفرمایم قلب مخزن جواهر ممتنعه ثمینه من است محلّ خزف فانیه دنیای دنیه مکنید \* و صدر محلّ انبات سنبلات حبّ منست او را بغبار تیره بغضا میالائید \* بصفتام متّصف شوید تا قابل ورود ملکوت عزّم شوید و در جبروت قدسم درائید \* جمیع اشیا کتاب مبین و صحف محکم قویم منند بدایع حکمت لدنیم را بچشم طاهر مقدّس و قلب نورانی منزّه مشاهده نمائید \* ای بنده گان من آنچه از حکم بالغه و کلم طیبیه جامعه که در الواح قدسیه احدیه نازل فرمودم مقصود ارتقای انفس مستعده است بسماوات عزّ احدیه و الاّ جالم مقدّس از نظر عارفین است

و اجلام منزّه از ادراک بالغین \* در شمس مشرقه منوره مضيئه ملاحظه نمائيد که اگر جمیع عباد از بصیر و اعمی چه در انتها وصف مبالغه نمایند و یا در دون آن انتها جهد مبذول دارند این دو رتبه از اثبات و نفی و اقبال و اعراض و مدح و ذمّ جمیع در امکانه حدودیه بخود مقبل و معرض راجع بوده و خواهد بود \* و شمس در مقرّ خود بکمال نور و اعطای فیض و ضیای خود من دون تغییر و تبدیل مشرق بوده و خواهد بود \* و همچنین در سراج مضيئه در لیل مظلمه که در محضر شما روشن است مشاهده نمائید آیا آنچه از بدایع اوصاف منیعه و یا جوامع صفات ذمیمه در حق او ذکر شود هیچ بر نور او بیفزاید و یا از ضیاء او بکاهد لا فوالذی نفسی بیده بلکه در این دو حالت مذکوره او بیک قسم افاضه نور مینماید و این مدح و ذم بقائلین راجع بوده و خواهد بود چنانچه مشهود ملاحظه میشود حال ای عباد از سراج قدس منیر صمدانی که در مشکاة عزّ ربّانی مشتعل و مضیء است خود را ممنوع نمائید و سراج حبّ الهی را بدهن هدایت در مشکاة استقامت در صدر منیر خود بر افروزید و بزجاج توکل و انقطاع از ما سوی الله از هبوب انفاس مشرکین حفظش نمائید \* ای بنده گان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحرست که در قعر و عمق آن لثالی لطیفه منیره ازیّد از احصا مستور باشد و هر طالبي البتّه باید کمر جهد و طلب بسته بشاطئ ان بحر در آید تا قسمت مقدره در الواح محتومه مکنونه را علی قدر طلبه و جهده أخذ نماید \* حال اگر احدی بشاطئ قدسش قدم نگذارد و در طلب او قیام ننماید هیچ از آن بحر و لثالی آن کم شود و یا نقصی بر او وارد آید \* فبئس ما توهّمتم فی أنفسکم و ساء ما أتمم توهّمون \* ای بنده گان تالله الحقّ آن بحر اعظم لجی و موج بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از جبل ورید \* بآنی بان فیض صمدانی و فضل سبحانی وجود رحمانی و کرم عزّ ابهائی واصل شوید و فائز گردید \* ای بنده گان اگر از بدایع جود و فضلم که در نفس شما ودیعه گذارده ام مطلع شوید البتّه از جمیع جهات منقطع شده بمعرفت نفس خود که نفس معرفت من است پی برید و از دون من خود را مستغنی بینید \* و طمطام عنایت و مقام مکرمتم را در خود بچشم ظاهر و باطن چون شمس مشرقه از اسم ابهتیه ظاهر و مشهود بینید \* این مقام أقدس را بمشتهیات ظنون و هوی و افکیات وهم و عمی ضایع مگذارید مثل شما مثل طیری است که بأجنحه منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد بگمان دانه بآب و گل أرض میل نماید و بحرص تمام خود را بآب و تراب بیالاید و بعد که اراده صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحه آلوده بآب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود \* در این وقت آن طایر سماء عالیه خود را ساکن أرض فانیه بیند \* حال ای عباد پرهای خود را بطین غفلت و ظنون و تراب غلّ و بغضاء میالائید تا از طیران در آسمانهای قدس عرفان محروم و ممنوع ننماید \* ای عباد لثالی صدف بحر صمدانی را از کنز علم و حکمت ربّانی بقوه یزدانی و قدرت روحانی بیرون آوردم و حوریّات غرف ستر و حجابرا در مظاهر این

کلمات محکمات محشور نمودم و ختم اثناء مسک احدیه را بید القدره مفتوح نمودم و روایح قدس مکنونه  
 آنرا بر جمیع ممکنات مبذول داشتم \* حال مع جمیع این فیوضات منیعہ محیطه و این عنایات مشرقه لمیعہ  
 اگر خود را منع نمائید ملامت آن بر انفس شما راجع بوده و خواهد بود \* ای اهل بیان ایوم مقصود از  
 آفرینش و خلق خود را دانسته چه که جواهر جبال مرتفعه الهیه اید و لثالی أبحر فضل احدیه \* و دون  
 شما از آنچه در سماوات و أرض مشهود است در ظلّ شما محشور و بالتبع مرزوق و متعمد \* مثلاً  
 ملاحظه در أرض طیبه منبته نمائید که مقصود زارع از سقایه سقایه زرع خود است و بسا حجر صلده  
 صلبه که در آن کشت و زرع بالتبع مشروب میشوند \* پس مقصود از نزول فیض فیاض مزارع  
 احبای او بوده که محلّ انبات نبات علم و حکمتند و من دون آن از اعداء و غافلین که احجار متروکه  
 ارضند بالتبع برشحات فضلیه و قطرات سحایه مرزوق و مشروبنده \* ای اهل بیان با جمیع این مراتب عالی و  
 مقامات متعالی از خود غفلت مجوئید و از حقّ عزلت مگیرید و از مراقبت امر الله در جمیع احوال  
 غافل مشوید و جهد نمائید که کلمات الهی را بدون آن قیاس ننمائید \* ای بنده گان اگر صاحب بصرید  
 بمدینه بینایان وارد شوید \* و اگر اهل سمعید بشهر سامعین قدم گذارید \* و اگر صاحب قلبید بحصن  
 موقنین محلّ گزینید تا از مشاهده انوار جمال ابهیّه در این ایام مظلمه محبوب ثنائید \* چه که این سنه  
 سنه تحیص کبری و فتنه عظمی است \* ای عباد وصایای روح را با قلم تسلیم و مداد اذعان و ایقان بر  
 لوح صدر خود مرقوم دارید و در هر آن توجه بان نموده که مبادا از حرفی از آن تغافل نمائید و بجدّ تمام  
 اقبال بحقّ جسته و از دون آن اعراض نموده که اینست اصل ورقه امریه منبته از شجره الهیه \* ای عباد  
 نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح بقا و تکلم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما \* پس  
 متابعت نفس ننمائید و عهد الله را مشکند و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو  
 توجه نمائید و نباشید از یخزدان \* دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است بصورت هستی آراسته دل  
 باو مبندید و از پروردگار خود مگسلید و م باشید از غفلت کننده گان برستی میگویم که مثل دنیا مثل  
 سراپست که بصورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون باو رسند بی بهره  
 و بی نصیب مانند و یا صورت معشوقیکه از جان و روح عاری مانده و عاشق چون بدو رسد لا یسمن و  
 لا یغنی مشاهده نماید و جز تعب زیاد و حسرت حاصلی نیابد \* ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم  
 موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضاء واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی  
 آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و  
 رزقی مقرر است البتّه جمیع آنها رسیده فایز گردید \* اگر قیص فانی را بقمیص باقی تبدیل نمائید و بمقام  
 جنّت ابهیّه که مقرر خلود ارواح عزّ قدسیّه است وارد شوید \* جمیع اشیا دلیل بر هستی شما است اگر  
 از غبار تیره نیستی بدرائید \* از زحمت ایام معدوده دل تنگ م باشید و از خرابی تن ظاهر در سبیل

محبوب محزون مشوید چه که بعد هر خرابی عمارتی منظور گشته و در هر زحمتی نعیم راحت مستور \*  
ای بنده گان سلسبیل عذب صمدانی را از معین مقدّسه صافیه طلب نمائید و اثمار منیعه جنت احدیه را  
از سدره مغرسه الهیه أخذ کنید \* چه که در وادی جزز یابس تسنیم خوش تسلیم و کوثر قدس تکریم  
بدست نیاید \* و از شجره یابسه ثمره لطیفه منیعه ملحوظ نگردد \* ای طالبان باده روحانی جمال قدس  
نورانی در فاران قدس صمدانی از شجره روحانی بی حجاب لنّ ترانی میفرماید \* چشم دل و جان را محروم  
نمائید و بجلّ ظهور إشراق أنوار جمالش بشتابید \* کذلک ینصحکم لسان الله لعلّ أنتم إلى شطر الرّوح  
تقصّدون \*